

مرد عنکبوتی و ددپول

004 **MARVEL**

جو کلی
اد مگینس
مارک مورالز
جیسان کیث
احمد کلاتیانی



مارول کامیکس

با کمال بی میلی تقدیم میکند ...



پیتر پارکر از یه عنکبوت رادیواکتیو نیش خورد، و این بهش قدرت‌هایی شگفت‌انگیز داد، نظیر سرعت فوق‌العاده، قدرت و چابکی یک عنکبوت، و انگشتان چسبناک. بعد از اینکه یاد گرفت که با قدرت بزرگ، مسئولیت بزرگ هم میاد، تبدیل به بزرگترین قهرمان دنیا شد. او کسی نیست جز ...

مرد عنکبوتی شگفت‌انگیز

اونجر ... قاتل ... سوپرستار! وید ویلسون برای یک برنامه‌ی فوق‌سری از سوی دولت انتخاب شده بود که بهش قدرت ترمیم از هرگونه زخمی رو داد. در کنار در آوردن پول ناچیزی به عنوان یک مزدور آماده‌ی استخدام، وید تبدیل شد به پرطرفدارترین قهرمان دنیا. و الان ستاره‌ی بزرگترین مجله‌ی کمیک دنیاست (مهم نیست اون مرتیکه‌ی تاری چی فکر میکنه).
صداش کنین مزدور وراج ... صداش کنین احمق نمردنی ... صداش کنین ...



ددپول

در قسمت قبل:

مرد عنکبوتی و ددپول هیچوقت تا حالا بهترین دوست هم نبودن. درواقع میشه گفت که مرد عنکبوتی واقعا و کاملا از مزدور بامزه‌ی همه متنفره. ولی وقتی که میستریو صنایع پارکر رو هدف قرار داد، این مانع هم تیمیه اونا نشد. دو نفری تونستن جلوی تبهکار کله تنگ ماهی‌ای رو بگیرن (درواقع با یه دون باگی طرح ددپول زدن بهش) و حتی ددپول اونو با تنفس دهان به دهان از لب مرگ برگردوند. همین کافی بود تا مرد عنکبوتی به نظرش راجع به بد بودن ددپول شک کنه.

وقتی مرد عنکبوتی بفهمه که ددپول استخدام شده تا دوستش و رئیسش پیتر پارکر رو بکشه، اوضاع خیلی ضایع میشه. چه شود.

واقعا برادرانه نیست؟

بخش

چهارم

JOE KELLY WRITER • ED MCGUINNESS PENCILER • MARK MORALES INKER
JASON KEITH COLOR ARTIST • VC'S JOE SABINO LETTERER
ED MCGUINNESS AND MARTE GRACIA COVER ARTISTS DAVE MARQUEZ AND MARTE GRACIA,
ED MCGUINNESS AND ANDREW CROSSLEY VARIANT COVER ARTISTS
MANNY MEDEROS TITLE PAGE DESIGN DEVIN LEWIS ASSISTANT EDITOR
JORDAN D. WHITE AND NICK LOWE EDITORS
AXEL ALONSO EDITOR IN CHIEF JOE QUESADA CHIEF CREATIVE OFFICER
DAN BUCKLEY PUBLISHER ALAN FINE EXECUTIVE PRODUCER
مترجم و ویراستار: احمد کلاتیانی

SPIDER-MAN CREATED BY
STAN LEE AND STEVE DITKO
DEADPOOL CREATED BY
ROB LIEFELD AND FABIAN NICIEZA

COMIC CITY

www.comic-city.ir

© 2016 Marvel Characters, Inc. All rights reserved. All characters featured in this issue and the distinctive names and likenesses thereof, and all related indicia are trademarks of Marvel Characters, Inc. No similarity between any of the names, characters, persons, and/or institutions in this magazine with those of any living or dead person or institution is intended, and any such similarity which may exist is purely coincidental. WWW.MARVEL.COM



میشه دوباره
بگی لطفا؟

با اون صدا
جذابیم نمیگمش ...

نه بابا، اینجایی
که هستم شلوغه. مردمو
دارم به کم ... "تنظیم"
میکنم.

فراموش کن که
من زنگ زدم ...

نه! صدا
ناله ها رو میشنوی؟
همه شون زندن! کار
اونجریزه!

خب، داشتی
میگفتی ...؟

«پووف»

امشب برنامه ای
ندارم، پارکر هم گفته
که تو نیو یورک
بمونم ...

میخواهی که به
کم با هم وقت
بگذرونیم؟

هاک آی که نیستی
ادا مرد عنکبوتی رو در
بیاری؟

نه، مرد عنکبوتی ام.

خود واقعی شی دیگه؟
اون بچه جدید یا اون
کلونه که نیستی؟

بریم یا
نه؟!

آدرسو برات
میفرستم. کفش راحتی
پوش.

PRINTS
1/250

PIAGIA

MILLIE
THE MODEL



قرص مرصی چیزی زدی، یا قرصایی که باید میزدی رو نزدی؟

بابا جان به آزمایش اجتماعیه!

اجتماع جز تخصصی تو نیست، و "آزمایش" هم جاش تو آزمایشگاهه.

خوشم میاد وقتی اینطوری جو مراقبت میگیری، آنا ماریا.

منظورت همیشه است دیگه. دلیلش اینه که به عنوان یه نابغه، به اندازه یه درخت احمقی.

به خاطر اومدنه ددپول از اونجری زدی بیرون! اونوقت الان داری باهاش بوچیا بازی میکنی؟

این همه بازی، حالا چرا بوچیا؟ دوتا پیرمرد 70 ساله ایتالیایی نیستیم که ...

این همه دوستای خوب اینجا داری! هیچکدومشون هم هیچکسیو تا حالا نکشته.

البته اکثرشون، فکر کنم.

ددپول ... داره عوض میشه.

وای نه، اون نگاه و میهناسم، اون نگاه احمقانه‌ای که گوزنا صبح اللطوع به آدم میدن ... نگاه اصیل پارکرا.

اصل پارکر موقعیه که پیتز پارکر سعی میکنه به یه آدمی کمک کنه که لیاقت آدم بودن نداره.

مثل همون "اصل پیتز" میمونه، ولی فاجعه بارتز.

ددپول کسی نیست که تو بتونی نجاتش بدی.

هرکسیو همیشه نجات داد.



و فکر کنم بدونی که با عشق دارم این حرفو میزنم ... خیلی خوب نیست، ولی معمولاً ایده‌ها کلا مزخرفن که این باعث میشه ایده‌ها بدتر هم باشن.

... این ایده‌ها خیلی خوب نیست.

منو خیلی خوب میشناسی عزیزم، ولی این ایده از مغزم نیست و یه چیزیه که تو درونم حس میکنم.

درون هم کلا خوراکمه.

تازه همین الان سوراخای این درونی که میگی رو گرفتیم.

آره، فکر کنم یه چندتا گلوله هم توم جا گذاشتیم.

میگذره، ولی پیشاپیش معذرت میخوام اگه یهو دوباره ترکیدم و کمد و شیوندم.

سعی نکن حواسمو پرت کنی، این کاری که داری میکنی یه بازی خطرناکه ...

نه بابا! دارت بازیه خطرناکیه! هی بچه‌ها، این موشکای باحال سوزنیه مرگبار و بگیرین حال کنین.

وید، این "ماموریت" پارکر روت تاثیر داشته، فکر نکن حواسم نیست که داری بیشتر و بیشتر ماسکتو میپوشی ...

دیگه آخراشه. راهشو پیدا کردم. میدونم دارم چیکار میکنم.

وقتی داری اون دخترتم وارد قضیه میکنی، کاملاً مشخصه که تمپدون داری چیکار میکنی.

نمی‌تونی پیتز پارکر رو به قتل برسونی و اونوقت با مرد عنکبوتی هم دوست باشی.

فقط میتونی یه شخصیت داشته باشی وید.

اوتی باش که من عاشقت شدم و سعی نکن کس دیگه‌ای رو خوشحال کنی.

مواظب باش، یه دقیقه خشایم پره.

نمیشه باهات جدی بود.



برای بهترین شب
زندگیت آماده‌ای؟

امیدوارم که
نباشی، چون واقعا باید
انتظارت بیشتر از اینا بشه.
هنوز به سری چیزا تو
آستینم دارم برات.

اینجا ... اینجا
یه نوع کلوبه؟

این خود
کلوبه! نه از اون
بچه بازیاش، از اون خفنش
که بری کیف و حال
کنی!

فکر کردی فراره
بریم بیسبال و از این
چیزا بازی کنیم؟ سنی
ازمون گذشته.

به علاوه، کلی هم دختر
مختر اونتونه. خوش
میگذره.

منو بو کن. تو
اسپری بدن خودمو
شستم ...

وید،
مرد عنکبوتی
نمیتونه همینطوری پاشه
بره کلوب! اینطوری
نمیشه که!

و قبل اینکه
پرسی، بهت میگم که
نمیتونی ماسک منو
دریاری ...

با مغز خودم
فکر اونجاشم
کردم!

من به هویت
مخفیت احترام میذارم. به علاوه،
نمیخوام اگه اوضاع پیچیده شد
محبوبیت پیش رئیسو
خراب کنم.

پس ... بفرما!
تصویر ساز! حریم خصوصی
را در لحظه داشته باشید.

چیز پیشرفته‌ایه.
کارم میکنه؟

من سالها ازش
استفاده کردم. نایت کراولر هم
همینطور. یه سری داده تصویری رو
میفرسته توی هسته‌ی مغزی
و یه سری اصطلاحات مغزی-علمیه
دیگه.

اگه درست ازش
استفاده کنی کار میکنه. تازه
برات یه شخصیتم در نظر
گرفتم ...





لئوناردو
دیکارپو ...

اون یارو بازیگره؟ پرو
بابا ...

نه، لئویه داستان
ما یه آقای مشخصه که
مدیره یه زنجیره ی چاپ داستانه و
تازگی هم طلاق گرفته.

بهم اعتماد کن،
دختر عاشق پرنده‌های
زخمی‌ان. برات یه توضیحات
هم از شخصیت
نوشتیم ...



راجع به همه‌چیز
هم فکر کردیا. که فقط
بتونیم خوش باشیم؟

خیلی خب، وقت
حقیقته. دادم به یکی دیگه
پروفایلتو نوشته، ولی آره ...
منم یه جاهایش کمک
کردم.

اگه بخوای نگران
ماسکت باشی همیشه خوش
بگذرونی. اگه هم نتونی خوش باشی،
پس ساعت خارج از نبرد واسه
چی؟

آماده‌ای که
خودتو ببینی
لئو؟



آره، من
... اوه!

از لباسش خوش
نمیاد؟ همین الان رو جلد
مجله مده.

من ... ام ... من
سیاه پوستم!

میدونم!
معرکه‌است، مگه نه؟
همه دلشون میخواد سیاه
پوست باشن! اصلا سیاه
رنگ زندگیه.

مگر اینکه نژادپرست
باشی.

من نژاد پرست
فقط ...

خوبه، چون من
از نژاد پرستا متنفرم.

تازه تو پروفایل جنی
هم نوشته که دیوونه‌ی
سیاه‌پوستاست.



چی؟





لنو، باعث افتخارمه
که تورو به دوستم چنی معرفی
کنم. سعی کن خیلی بهش
نگی خوشگل.

ویدا!

چیه خب؟
دارم سعی میکنم احساسی
باشم و قدر وجودتو
بدونم ... و البته
بسته بندیه
عالیش.

«پوف»
سلام لنو.

بهم بگو که
تو هم مثل اکثر دوستای
ویدا احمق نیستی.



من ... نه ... سلام...
واللهی!

با هم خوش باشید
و ریلکس کنین.
نه احمق نیست.
فقط مضطربه. خیلی اهل
بیرون رفتن نیست.



غیر قابل تصویره.

آره، ویدا، ام، داره
سعی میکنه کمکم کنه یه
کم از تو لاکم دریام.

یک سال و نیمه
که با کسی بیرون نرفتم.

خیلی واسه کارم
وقت میذارم. سعی دارم یه
تغییری ایجاد کنم.



بذارید یه
چیزی بخوریم و تغییر
ایجاد کنیم! دی جی، یه
کم شلوغش کن!!

الان یه کار میکنه
بندازنمون بیرون.

هه، بعید میدونم.
اینجا کلوب خودشه!

هی! چندتا نوشیدنی دیگه هم بیار ...

وید بهم گفت که شما ام ... توی کارای سرگرمی و اینایید؟

اوهوم ... نه! یعنی بودم، ولی اخیرا رفتم توی کارای علمی و اینا ...

دروغ میگی. ددپول بهت گفته اینو بگی. من تو کار ویراست مجلات علمی ام!

زندگی به مسیر رو بهت پیشنهاد میکنه، ولی خودت میتونی هر مسیری که میخوای بری. خانواده چطورن ...؟

من هفته پیش منفجر شدم ولی زنده موندم. اون فقط تونست با وجود مرگ عموش مدرسه رو تموم کنه. چیه مگه.

واقعا معرکه است که آدماچه چیزایو میتونن تحمل کنن و باز هم به رشدشون ادامه بدن. شما خیلی شجاعین ...

هاها! این همه مهمون و داماد نیست؟

عروسی ان. شوخی هم نمیکتم، ولی داماد نیومده هنوز.

میدونی چی خنده داره؟ هر چیزی به جز اون!

کاملا. و منم کاملا همین حسو دارم.

حس ... حس میکنم که تو تمام زندگیم شمارو میشناختم. چیز عجیبیه؟

رسیدیم جای خوبش ... کیوترای عاشق و بین!

ام، وقت ... آها، چیزه شیکلاه کی میاد پس؟

هیچوقت نذار تموم شه.

وای خدا، یک ساعته کامله که داریم حرف میزنیم ...

شیکلاه؟ هاها! نه اون که نیاد ... ولی قرارم همین الانست که پیداش شه ...

چی؟



چه ... چه لیست
خیلی دقیقه.

اگه قراره
مجوز به قرار داشته
باشم، واسه به چیز خیلی
خفته!

اون شماره پنج
چیبه ... ؟

هیچی اونو
بیخیال ...

یوهوا!
اینجام مو طلا!

با شور
قرار داری؟! تو
متاهلیا!

جز لیست پنج تا
قراره آزادمه، مدتها پیش
با شیکلا سرش بحث کردیم
و امضا هم کرده، بین ...

FREE PASS
DEADPOOL TOP 5!
1 HILARY CLINTON
2 THOR
3 HELLCAT
4 ZOMBEA ARTHUR
5 SPIDER-MAN

بمیر، از گاردیه احمق!

ددپول؟

بله؟

تو جنی
رو از کجا
میشناسی؟

یکی از دختر
عموهای شیکلاسه.

موقعی که مارو
داشتی با هم آشنا میکردی
میدونستی یه اجنه‌ی متنفر
از ازگاردیه هست؟

داداش میشه واسه یه
لحظه هم که شده همش به
خودت فکر نکنی؟

احتمالا شانسم با
ثور رو از دست دادم. واقعا
حالم گرفته‌است.

"احتمالا؟"



توی سومین عصر
آدین، مردم من توسط ممنوع‌های
کثیف تو کشته شدن!

جواب خون
خونه!

مشکل تو با من
چیست ای هیولا؟



باشه آگه
اینطور میخوای!
یااااا!

خانما! بذارید
یه کم این حرفای کوبنده
و خونین رو کم
کنیم!



"لنو"؟

فکر کنم اینجا اون بخش
از شبه که به ابر قهرمان و یا جن
بودنمون اعتراف میکنیم ...

بوی شکلات
مورد علاقه‌ام رو
میدی.



میفرستمت به جهنم
ای شیطان! آگه دلت
جنگ میخواد ...

... شور هم
باهات میجنگه!



قانون اول قرارهای دو نفره:
هیچوقت بحثای سیاسی رو وسط نکشین،
چه آزگاردی باشه یا هر جای
دیگه‌ای ...

بعد اینکه این سیاره رو
از شر اون هیولا راحت کنم، منو
تویه صحبتی با هم خواهیم داشت
حقه باز.

ممکنه این حرفایی که
میگی "صبحونه" هم جزشون
باشه؟



به هر حال
"ته" نگفتی!

چرا؟ بعد این همه
حرفی که راجع به دوست
بودنمون زدیم ...

... تازه ایشون خیلی
بامزه و خوشگل هم
هستن ...
آخه چرا؟!!

میخواستم که
اوقات خوشی داشته باشی ...



... اینم به
اوقات خوشه!

خودشه!

وای خدا ... نذار
این اون چیزی باشه
که فکر میکنم هست.



ازگارد به زخمی
روی مردم من گذاشت که
هیچوقت از بین نمیره! حتی
اگه لازم باشه خونمو برای خون تو
قربانی کنم، باز هم به
افتخاره!

من برای گناهایی
که افرادی سالها قبل از
من مرتکب شدند عذرخواهی
نمیکنم!

ولی میتونم بهت
تضمین بدم که الان عصر جدیدی
برای مردم منه. زمان
روشنگری!

نیازی نیست که ما
هم به روش گذشتگان
زندگی کنیم ...

... جنس ...
لطفا يك لحظه پايینو
نگاه کن ...





وید
ویلسون ...
آره.
اون ...



اوه اوه! تاری،
باید بیچیم.
فکر کنم باید
توی گلا مبارزه کنید!!
بیشتر سره ... سرتره؟



وقتی از اصطلاحاتی
مثل "انسان رذل" استفاده
میکنی، کیفش کمتر
میشه.
تو انسان رذل
حال به هم زن ... به جنگ
بین دشمنان خونی راه انداختی که
توی گل بجنگیم تا شما کیف
کنین؟

من داشتم شما رو
تشویق میکردم ... میدونستین
تشنه‌ی خون که میشین چشمتون
جذابتر میشه؟



کلمه‌رمز!
کلمه‌رمز! تاری!
به برادرت یه کمکی
بکن!
وید، فقط ...
هیسس ... با این همه
فرومون و ازن فکر کردن سخته،
و ... خدای من، جنی، حتی وقتی
عرق میکنی هم بوی پشمک
میدی ...
تاری!!!

خانما ... من ... اتفاقی
که امشب اینجا افتاد هیچ عذری
نداره. شما کاملا حق دارین که عصبانی
باشین. این یک کار غیر انسانی و شرم‌آور،
و بی احترامی به دو بانوی بزرگوار
و قدرتمند بود ...

ولی وید و من انقدر
با دوست هم شدن فاصله
داریم، پس ... میشه نکشیش؟ یا
نکشیمون؟ لطفا؟

باید یه راهی باشه
که بتونیم حلش کنیم.



يك صلح موقت انجام ميديم
و اين خانه‌ي جهنمي تبديل به يك
زمين مقدس ميشه.

بهترين و
كاملترين عذرخواهي كه
تو عمرم كردم ... حتي با اينكه
شما واقعا زيباترين خانمي هستي
كه تا حالا ديدم ...

و مهمتر از اون،
باهوشترين و مهمتر از اون ... ام،
كسي كه بايد با احترام باهاش
برخورد شه و نه به عنوان
يك وسيله ...

نه! نه!
وسيله چيه اصلا؟
درسمونو ياد گرفتيم!
مطمئن باشين!

... ولي ايشون
هنوزم خيلي جذابين ...

اگه دست از حرف زدن
برنداري با جفت مشتام ميزنم
تو دهننت!

خانما، بابا
بذارين يه كم آرومتر
باشيم! اوضاع قبل كمی از كنترل
خارج شد، ولي بابتش عذر
خواهي كرديم!

در مقابل درس
با ارزشي كه ياد ميگيري،
اين تاواني كه ميپردازي
هيچي نيست. "دوستم".

شما كيفتونو كرديد ...
تنها راه درستش اينه كه ما
هم كيفمونو كنيم.

حالا اگه دلتون
نميخواد كه راجع به نقش
جنسيتهاي مختلف از نظر
ميولنير تو جامعه‌ي ما
بدونيد ...

نه خانم،
خيلي ممنون!

براي ما
ميرقصيد!!

تاري، نميتونم
تصميم بگيرم كه اين
يكی از روياهامه كه داره
محقق ميشه يا يه
كابوسه ...

ولي كسي حق
نداره به ددپول بگه كي
برقصه و كي نرقصه. من ميگم
بذار بزنيمشون، هرچي هم
ميخوان بگن ...

تکون بده! خودتو نشون بده! آه

... وای نه، جن زده شدی رفت.

اتفاقا ماهه‌است که انقدر حس آزادی نداشتم!

بیا بالا ... مگر اینکه میترسی حریف من نشی.

چطور جرات میکنی حرکات منو مسخره کنی!؟! باشه! شما خانما دلتون آقای پول* و میخواد؟

براتون سیل راه میندازم!

بیا وسط!

*pool استخر



هی، هی!

انگشت و بگیر، ضرباتو حس کن!

هوپ چا!

هلی کوپترو بگیر!

هنتی!



جدی جدی داری یه نمایش خفن براشون راه میندازیا داداش!

هیچوقتته هیچوقتته دیگه همچین چیزی تو زندگیه من پیش نییاد ...

بهره تا میتون ازش لذت ببرم ...

دیوانه‌ی کله‌خرا! باشه. برقص دیوونه! برقص!



تا کی فکر میکنی میتونیم مجبورشون کنیم به این کار بدن؟

هه، ازت خوشم میاد ازگاردی.

تا هر موقع خسته‌مون کنه.

هیچوقت بهشون اینو نمیگم ... ولی عجب نبردی بودا.

بله، عجب نبردی بود.

اینگونه آمده است در کتاب ثور. راجع
به نبردی با شکوه در مقابل
شیطانی احمق ...

... و صلحی که هر دو
برای لحظه‌ای کوتاه با آن موافقت
کردند ...

جشنی بین دو دشمن قدیمی
که از زمانها قبل از جنگ‌های سرد
همدیگر را ندیده بودند ...

که در آن یک تار زن بی نوا و یک
دیوانه‌ی زخمی برای لذت جنگجویان
حاضر و خسته میرقصیدند.

هیچوقت در هیچ یک از ۹ قلمروها همچین
جشن نبردی با شکوه نبوده. برای قرن‌ها
این داستان دهان به دهان با خوشی بازگو
خواهد شد ...

داستان رقص اسپایدی پول.
در یک پنجشنبه‌ی مبارک.

در قلمروی میدگارد
از آن به عنوان
"شب بانوان" یاد میشود.

بواهاهاهاهاهاهاها

بدونه درنگ! اصلا بگو واسه یه لحظه!

خودت گفتی "بلندم کن"، چیکار باید میکردم؟

مگه ددبچه‌ای؟ صبر کن، این بامزه نبود ...

بلندم کنی تار بزنی بریم!

هه ... هه! وای خدا، واقعا همین چیزو نیاز داشتم.

نمیخوام این لحظه رو خراب کنم، ولی ...

نه، تو توی لیستم نیستی.

مرسی واسه اون دروغ. به هر حال ... اگه واقعا سر اینکه تغییر کنی و بهتر بشی حرفت جدیه ...

بواهاهاها!



... به نظر من داری خوب پیش میری.

...

جواب بامزه‌ای ندارم که به این حرفت بدم، پس ...

... ممنون.

دوباره هم از اینکارا بکنیم. البته منهای ایکه خدای رعد و بکشونی توی یه چاه گل.

بابت این شب خوب ازت ممنونم پسر.

بازم از این کارا میکنیم.





تو عقلتو از دست دادی.

احتمالا. میذارم اینترنت قضاوت کنه. شش تیکه‌ام تو اون عکس که بلندش کردم چطوره؟

عکسم گرفتین؟

یا خدا، عکسم گرفتین!!

DING DONG

افراد ادین هم موبایل دارن، عجیبه نه ... میدونی چقدر شماره گرفتم؟

نمیفهمم چرا هل نکردی و نمیترسی. مطمئنی حالت خوبه؟ به نظر ...

شوخی میکنی دیگه آنا؟ این یکی از بهترین شب‌های زندگیم بود. صبحونه‌ام رسید، پس من میرم. فعلا.



BOEET

هی، تو اونی نیستی که صبحونه منو میاره! تو ...



بنگ



هاه.
آسون بود.
واقعا انتظار داشتم
تاری هم پیداش شه ...



از سفر دائمیت به
جهنم لذت ببر، دانشمند کثیف.
واسه شکنجه دهندهات یه
درخواست ویژه دادم.



مخاطبین ... مورد
علاقه ها و ...

اگه من این شماره
رو بهت دادم، خودت
میدونی باید چیکار کنی.

تاری! پسر، فقط
میخواستم یه حالی ببرم و،
میدونی، ازت تشکر
کنم ...

... برای اولین
بار توی مدت های دراز
حس کردم که ...

خیلی خوشحالم
که میتونیم رفیق باشیم.
همین.

حالا احساساتی
نشی خرابش کنی.
فقط ...

بعدا باهم
حرف میزنیم ..

این داستان ادامه داره!

میخوای بدونی قسمت بعدی چی میشه؟



ترجمه شده توسط:

کمیک سیتی

مرجع دانلود کمیک های ترجمه شده

 www.comic-city.ir

 @ComicCityIR

 @ComicCityIR



BatMan



The Flash



Deadpool



Assassins
Creed



Arrow



Ant-Man



Spiderman